

صحیح - پودر

← باطل ← از حقیقی ندارد .

عقد ← غیر نافذ ← در بطل

← صحیح ← از حقیقی دارد .

← باتوافق طرفین ← اقاله

← با اراده یک طرف ← فسخ

← بدون اراده طرفین ← انشاع  
(مهری)

مختص عقد صحیح است . ← اغلال

قدیمی



ماده ۱۹۰

لے شرایط صحت عقد

ارادہ  
قصد + رضا  
                     



اگر به قصد خدشہ وارد شد ہے عقد باطل است۔

اگر رضایہ خدشہ بود ہے عقد اصلاً غیر نافذ



عیوب اراده

← اشتباه ← اراده بلذارد ← قصد خدشہ داری شود  
عقد باطل است

← ارش ← امرًا رضای خدشہ می شود

عقد غیر نافذ است



اشتباه

←

قصد خدشه دار است

① اشتباه در نفع عقد ← عدم تطابق اراده ها ← عقد باطل است.

یک طرف تصریح کند عقد منع

یک طرف تصریح کند عقد اجازه

یک طرف تصریح کند نکاح دائم است  
یک طرف تصریح کند نکاح موقت است { عین العقد ← عدم تطابق اراده ها  
عقد باطل است.



اگر در طرف حسن العقد یک اراده داشته اند

یک طرف یکرید ماهر در حسن العقد لغتیم نکاح دائم  
مدی لذت ←  
اصطلاح پیدا کردند.  
یک طرف یکرید ماهر در حسن العقد لغتیم نکاح موقت

اصل بی نکاح دائم است .



② استیفاء در خود موضوع عقد ← تصدیک طرف مال الف  
تصدیک طرف مال ب

من زمین الف را می فرستم <sup>انتزاع</sup>  
تسا زمین ب را می فری <sup>انتزاع</sup>  
عدم تطابق اراده ها {  
عقد باطل است.

|   |     |
|---|-----|
| ب | الف |
|---|-----|



③ اشتباه در اثر اصلی عقد

← عقد باطل است

حیث عقد حدسه دار شده

مثلاً اگر ثاب شود یک طرف تصوری کرده (حین العقد)

که عقد بیع، مالیه را منتقل نمی کند.

یا یک طرف تصوری کرده عقد اجاره مالیه مانع را منتقل نمی کند.



④ اشتباه در وصف اساسی ← محمدرین وصف موضوع معامله علت مجرده افتقار عقد  
ملکات شخصی

معامله به معامله  
جنس به جنس  
اکم به اکم  
فروق محالند ← عتیقه به قدمت  
طلا و نقره به جنس

موبایل به برند  
Apple / Samsung

وقتى مدیپ بطلان عقداست به

در قصد مشتری طریق وارد شود به اصلاح  
تصویر یک جانب نباشد  
چه ضمنی

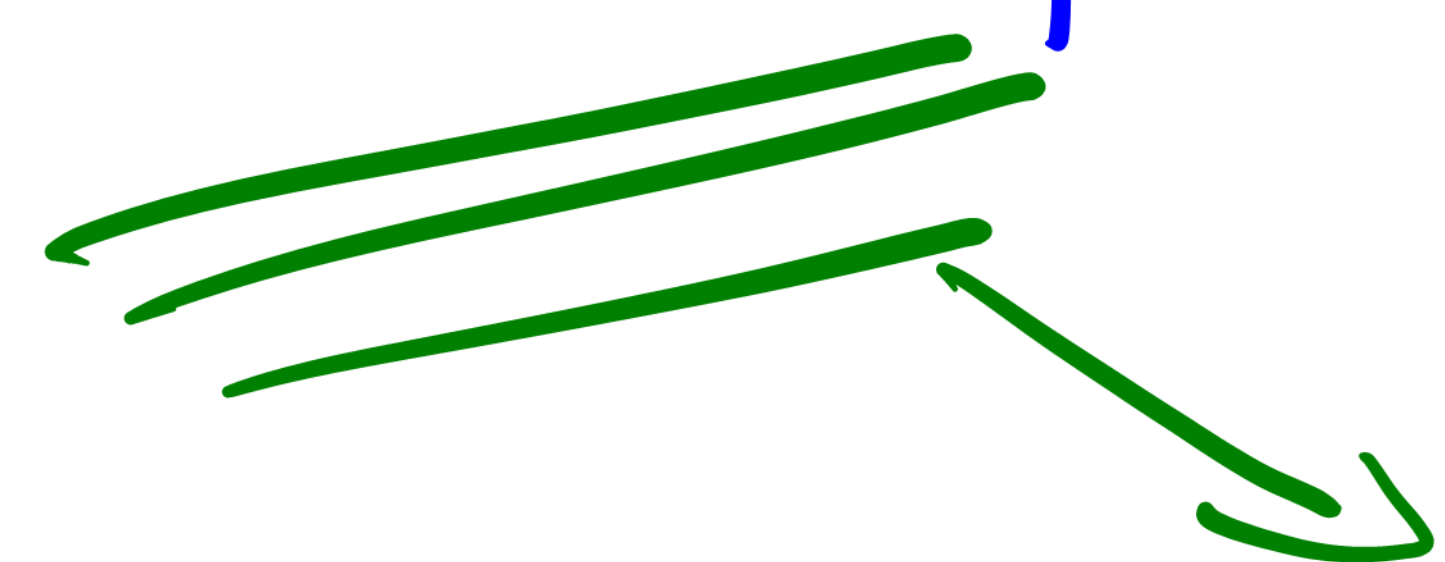


صرح ← به عنوان ...

الکدری ضم ۵ سلین

صحیح حرفی از طلا بردن زده نشده

ضمنی ← من یادم طلا فروشی ←



در قصد سُرط طرفین وارد شده

به صورت ضمنی

صِدق آدم حاضر روند طلا فروشی

طلا میزنند

بعد علم می شود الگو نقره بودن

عقد باطل است



استباه در وصف ایامی <sup>ه</sup> الرصور <sup>ه</sup> یی جانبی است

عالمه مص است

حون در صد ستر <sup>ه</sup> طرین <sup>ه</sup> وارد نشده



## ⑤ اشتباه در طرف معامله

لے امرلاً خلی بہ عقد وارد نمی کند ← عقد صحیح است.

← استثناء ← عقد رجائی  
← عقد سامعہ ای

عقد باطل است.

← عقد نکاح  
← نیت اشخاص (تفاسی  
نسبی)

عقد شخصیت محور  
← شخصیت طرف مقابل علت محده عقد است.



مقابله‌ای ← ذره ذره عوضین هم است. **طرفین قصد سودجوی دارند.**

عقد ←

مساعده‌ای ← طرفین دنبال سودجوی نیستند

اصل بر این است عقود مقابله‌ای هستند.

صلح <sup>معاذله</sup> عاقلانه ← طرفین عمداً برای عوضین را نثار می‌کنند.



## ⑥ اشتباه در اوصاف طرف مقابل

→ اصولاً خلی به عقد وارد نمی‌نند → عقد صحیح است.

→ اگر شرط شده باشد → حق نسخ می‌دهد

→ می‌در عقد نکاح

استثناء → اگر وصف طرف مقابل علت انحلال عقد  
تقصیری نتم فقیر است → صدق می‌دهم  
عقد باطل است



← ماری ← آن قدر شدید است به قصد خدشہ داری شود.

عقد باطل است.

مجبور ← قصد ندارد. ← عقد باطل است.

← معنوی ← تهدید

← رضایت خدشہ دار است

← عقد غیر نافذ است.



اگرچه به احتمالی حاصل می شود مؤثر در فرج استغوری بوده  
زیر فعل نه  
غیر مؤثر نه

عارضاً قابل تحمل نباشد و

قابل تحمل باشد اگر اصرار نیست



## سُرائے اکرام

کربِ فعل نہ

① بہ اعمالی

مُذَرِّیاست نہ

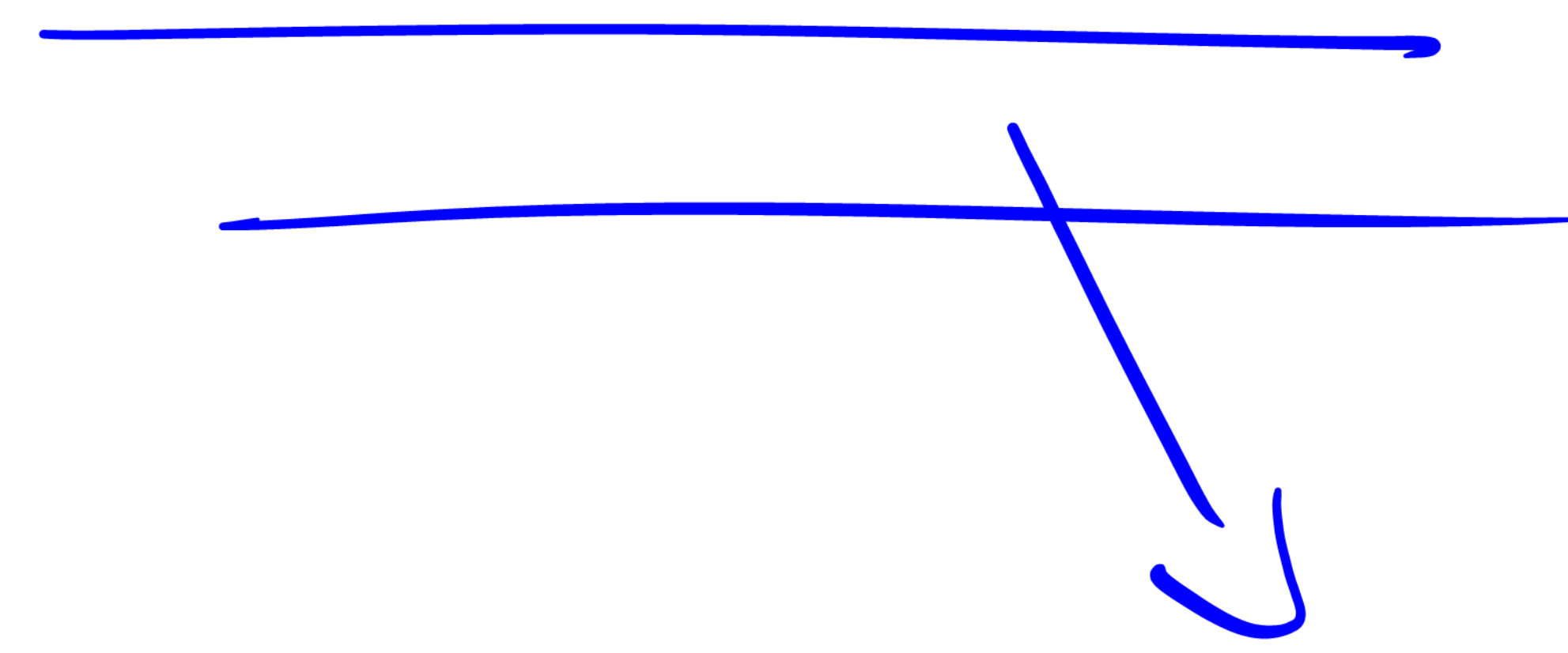
② مُذَرِّیاست

③ عاراً مائلِ کجلیاست ناظرِ خود شخص جان، اکبر، مال

④ نہدید ← ناظرِ بیگانہ زید جان، اکبر مال



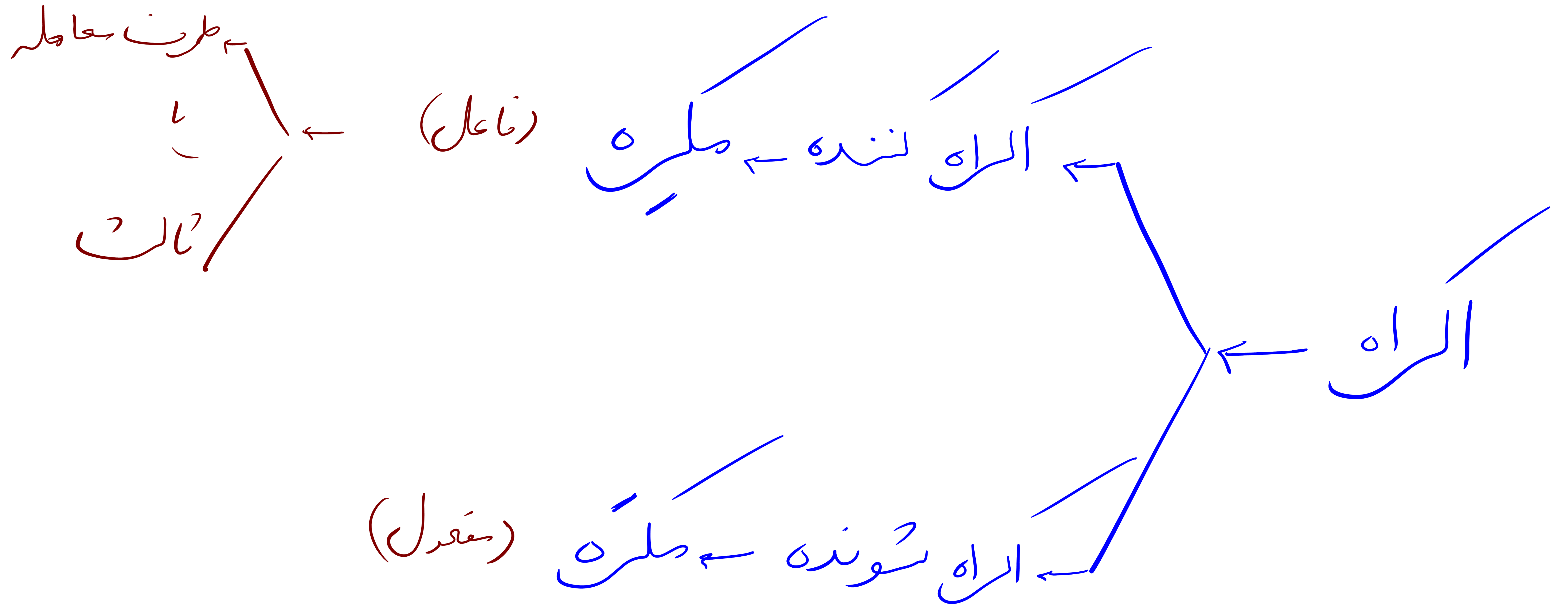
نَهَدید نسبت به مال بندگان ، اگر اه نیست



مگر نَهَدید به مال ، به جان بندگان سرمایه کنند .

↓ اگر اه است .







عامله اراضی ← غیر نافذ است.

ملک ← تنفیذ کند ← عقد صحیح است

بعد از رفع الراه  
ندید

ملک ← رد کند ← عقد باطل است



عالم در حال اضطراب

که اصولاً مع است. خیار غبن هم ندارد.

استدنا، اگر از اضطراب سر استناد شود

در حکم عالم الراهی هم غیر نافذ است.



خيار ← وضعیتی که به با حق مشغولی دهد

← خيار غبن ← کلاه رفته بسم

① ← جاهل به قیمت واقعی بودم (حسن العقد)

+

شرایط خيار غبن -

② ← اگر عالم به قیمت واقعی بودم این معامله را انجام

نمی دادم

معامله در حال امطار، شرط دوم را ندارد - پس خيار غبن ندارد.



شرایط اساسی صحت معامله  
قصد و رضا ← اراده

نکته  
وفات  
در طول زندگی

بیانیه قابلیت عقلی  
اهلیت تمتع ← اهلیت دارا شدن حق

② اهلیت

اهلیت اجرای حق

عقل + بلوغ

عقل + بلوغ + رشد

اهلیت استیفا

دارا و غیر مالی

دارا و مالی

در معامله محکم است



عقل  $\neq$  حیون

لبوغ  $\neq$  صفرسن

رشد  $\neq$  سفه

هرجا که اهل بیت‌های آمد ← منظور اهل بیتنا

است



مجبور ← کسی به اهلیت استیفا ندارد.

← مثل مجنون - صغیر

دائری مالی      سفته ←  
غیر نقد

ورسالت مجبور نیست ← (حق تصرف در اموال خود را ندارد)



اطبای ← همیشه در حال جنون

جنون ←

بعضی اوقات در حال جنون

ادواری

بعضی اوقات در حال افاته

معاملات در حال افاته صحیح است.

اگر ندانیم معنوی ادواری، معامله را در حالت جنون  
انجام داده یا در حالت افاته  
اصل این است که در حال جنون  
بوده



صفیر ←

← مميز ←

غير مميز

→ اصلاً قدرت تشخیص ندارد

اصل بر این است

غير مميز است

اصل عدم



عجز، صفر غیر مجیز ← فقد ندارند ← عقد باطل است.

قبولی هبه  
قبولی صلح بلا عرض  
بر سودگان ها  
صرفاً نافع ← عقد صحیح است.

صرفاً ضرر ← عقد باطل است.  
هبه کنند  
ضامن کسی شود

کسی قدرت تخصیص دارند،

صفر مجیز و غیر مجیز

سقطه

احتمال نفع - احتمال ضرر ← عقد غیر نافذ است

ولی یا تمیم  
یا  
تفند  
ردند

کل معاملات عرض

معاملات  
مجبورین



مکمل  
دلیل

در عقد وکالت

نیابت دادن در امری

هم دلیل هم مکمل = هر دو باید اهلی و قائم باشند

همان میزان اهلیت که برای انجام موضوع وکالت لازم است

امور مالی = عقل بلوغ رشد  
امور غیر مالی = عقل بلوغ